



جلد سوم محیط اطراف من



پروژه گیاهان، جلد سوم

نگاره پروژه گیاهان

سلام خوب به تصویر نگاه کن. چه می بینی؟ در مورد چیزهایی که می بینی با دوستان صحبت کن.

چه درختان میوه ای می بینی؟ یکی یکی نشان بده و نام ببر.

پدر دانا و دینا مشغول چه کاری است؟ چرا؟ دینا مشغول چه کاری است؟

دانا چه می کند؟ آیا شما هم به پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ در کارها کمک می کنید؟

مادر و مادر بزرگ مشغول چه کاری هستند؟ فکر می کنی سبزی ها را برای چه چیزی می خواهند استفاده کنند؟

به بوته های روی زمین نگاه کن چه بوته هایی می بینی؟ کدام از این بوته ها ریشه شان خوراکی است؟

کدام یک برگ هایشان خوراکیه؟ رنگ خوشه های گندم را بگو؟ میوه های هر درخت را نام ببر و رنگشان را بگو. آیا تا به حال درخت یا دانه ای کاشته ای؟ اگر بله در مورد آن توضیح بده.

برای اینکه درخت خوب رشد کند و سرحال بماند چه کارهایی باید انجام بدهیم؟ از دیگران بپرس و بگو.

حالا همگی بلند شوید دستهایتان را بالا ببرید و خدا را به خاطر این نعمت های خوبی که به ما داده خدا را شکر کنید. خدایا شکر که گیاهان و درختان را آفریدی تا هم ما و هم حیوانات از آن استفاده کنیم. ممنون از مهربانیهایت.

کاربرگ 1، پروژه گیاهان

سلام بچه ها خوبید؟ امروز یک مسابقه داریم می خواهیم ببینیم چه کسانی حواسشون جمع جمعه.

- اول به نگاره ی پروژه ی گیاهان خوب نگاه کنید تا 10 می شمارم اونوقت وقت تمومه و باید کتاب را ورق بزینید.

- حالا به اولین کاربرگ پروژه ی گیاهان خوب نگاه کنید. بالای صفحه یک سبد میوه است. خوب فکر کن و زود بگو کدام میوه هایی که در سبد است در باغ دانا و دینا (تصویرنگاره) بود. اسمشان را بگو و آنها را رنگ کن.

- حالا دوباره نگاره را نگاه کن ببین درست گفتم؟ آفرین به توجه و دقتی که داشتی.

- خب حالا به پایین صفحه نگاه کن. خانم مربی گفته بودند که رشد دانه لوبیا را در منزل خوب مشاهده کنید. حالا مدادت را بردار و با توجه به شکل های زیر آن ها را به ترتیب رشد به هم وصل کن.

کاربرگ 2، پروژه گیاهان

سلام بچه ها همان طور که می دانید یکی از فواید گیاهان، میوه های خوشمزه و پر از ویتامینی است که گیاهان به ما هدیه می دهند. عزیزم اول کلیپ یا سرود «میوه پر از خاصیت» از عمو پورنگ را خوب گوش بده. گوش دادی؟ خوشتر اومد؟ حالا صفحه ی کتابت را باز کن و خوب به آن نگاه کن.

-اسم میوه هایی که می بینی را به دوستانت بگو. اول و آخر اسم هر میوه چه صدایی را می شنوی؟

-در ذهنت نام یک میوه را در نظر بگیر و برای دوستانت در مورد آن توضیح بده، از آنها بخواه نام میوه را حدس بزنند.

-میوه هایی که در کتاب (کاربرگ 1) در کنار دانا و دینا هستند چه رنگهایی دارند؟ کدام از آن ها را قبلا خورده ای و مزه اش را بیشتر دوست داری؟

-میوه هایی را که در تصویر می بینی هر کدام که در منزل موجوده را با کمک بزرگترها برش بده و دانه اش را به کلاس بیاور و به دوستانت نشان بده.

حالا به میوه های پایین صفحه نگاه کن. اسم کدام میوه ها را در سرود عموپورنگ شنیدی نام آنها را بگو و بعد با مداد قرمز دور آنها خط بکش.

کاربرگ 3، پروژه گیاهان

سلام بچه های عزیز می دونم که در خانه دانه ای را کاشته اید و مراحل رشد آن را دیده اید.

دانا و دینا از پدر پرسیدند برای اینکه گندم آماده شود تا بتوانیم از آن استفاده کنیم چه کارهایی باید انجام بدهیم؟ پاسخ پدر را در تصاویر این صفحه می بینید.

-حالا خوب به کتاب نگاه کن کمی ترتیب تصاویر جا به جا شده، ابتدا اولین تصویر را پیدا کن

و یک چهار گوش کنارش بکش، کاررا تا تصویر پنجم ادامه بده، بعد داستان را برای دوستانت تعریف کن.

-به نظر تو:

-وقتی محصول آقای کشاورز آماده می شود چه احساسی دارد؟ چرا؟

-آیا تا حالا دانه گندم کاشته اید؟

-حالا در جای خالی چیزهایی که دانه گندم برای بزرگ شدن به آن نیاز دارد را بکش.

کاربرگ 4، پروژه گیاهان

سلام بچه های عزیز، در صفحه ی قبلی با مراحل رشد و آماده سازی دانه ی گندم آشنا شدید دیدید که کشاورزهای مهربان خیلی زحمت می کشند تا دانه های گندم را برای ما آماده کنند.

دانا و دینا از پدر پرسیدند: پدر جان ما از گندم چه استفاده هایی می کنیم؟ پدر در مورد آسیاب کردن دانه ی گندم و تهیه آرد گندم توضیحاتی داد، تو هم می توانی از خانواده یا خانم مربی بخواهی برایت در این باره توضیح دهد.

- قرار است دانا و دینا تحقیق کنند ببینند چه خوراکیهایی از آرد گندم تهیه می شود. تو هم می توانی به آنها کمک کنی، وروی میز نقاشی کنی یا عکس آن خوراکی را بچسبانی.

حالا به تصاویر پایین صفحه خوب نگاه کن از راست به چپ نام هر یک را بگو سپس دور خوراکیهایی که گیاهی هستند را خط بکش.

کاربرگ 5، پروژه گیاهان

امروز دانا و دینا می خواهند در تهیه سالاد به مادر کمک کنند. فکر می کنید به چه خوردنی هایی نیاز دارند؟
- خوب به کتاب نگاه کن از مسیر درست حرکت کن، خوردنی های مناسب سالاد را بردار و به ظرف سالاد برسان.
- حالا که در تهیه سالاد به دانا و دینا کمک کردید وقتشه به چند سوال پاسخ دهید. پس خوب فکر کن و بگو.
- در تهیه این سالاد از چه خوردنی هایی استفاده شده؟

- هویج چه قسمتی از گیاه است؟ کاهو، لیمو ترش و ذرت چه طور؟ (می توانی از دیگران هم بپرسی)

- حالا به شکل های پایین صفحه نگاه کن، چند ریشه ی خوراکی می بینی؟ اول آنها را کامل کن، بعد نام آنها را بگو و رنگ کن.

کاربرگ 6، پروژه گیاهان

سلام فرزندم، خودت را جای درخت بگذار و فکر کن یک درختی، قصه ی خودت را در چهار فصل به ترتیب برای دوستانت نمایش بده. حالا کتاب را باز کن با کمک رنگ انگشتی و خرده های کاغذ یا مداد رنگی، ماژیک و.... چهار فصل زندگی درخت را در کتابت کامل کن و حالا خوب به پایین صفحه نگاه کن این تصاویر مربوط به کدام فصل سال است، با خط به درختی که آن فصل را نشان می دهد وصل کن.

حالا از مربی خوبت بخواه سرود یا کلیپ چهار فصل را برایت پخش کند و با دوستانت گوش بده .

کاربرگ 7، پروژه گیاهان

سلام بچه های دوست داشتنی. دانا و دینا منتظرند تا به آنها کمک کنید و میوه های مختلف را به دستشان برسانید.

خوب اول تصاویر هر قسمت را نام ببر و درباره ی آن با دوستانت گفت و گو کن. می بینی خدا چه نعمت هایی به ما داده، خدای خوب و مهربان را به خاطر این نعمت ها شکر کنید.

-حالا مداد رنگی ات را بردار، تصاویری را که صدای اولشان صدای(آ) هست را با رنگ قرمز به دینا وصل کن.

-کدام تصویر صدای آخرش صدای (م) است با رنگ بنفش آن را به دینا وصل کن.

-تصویری که آخرش (ز) است با رنگ سبز به دینا وصل کن.

-تصویری که صدای آخرش(ج) است با رنگ آبی به دینا وصل کن.

-تصویری که صدای اولش(س) است با رنگ مشکی به دینا وصل کن.

حالا به تصاویر پایین نگاه کن.

-تصاویری که اول نامشان صدای (آ) می شنوی با رنگ آبی به دانا وصل کن.

-تصاویری که اول نام آن ها صدای (گ) می شنوی با رنگ قرمز به دانا وصل کن.

-تصویری که اول آن صدای (ش) می شنوی را با رنگ زرد به دانا وصل کن.

-تصویری که آخر آن صدای (او) می شنوی را با رنگ نارنجی به دانا وصل کن.

-نوبتی هم باشه الان نوبت بازیه ← مداد زرد و قرمزت را بردار و سریع انجام بده.

-خب بازی شروع شد دور درختان سیب خط زرد و دور درختان گلابی خط قرمز بکش.

کاربرگ 8، پروژه گیاهان

سلام عزیزان. به قصه ی جنگل جان ممنونم که مربی عزیزتان پخش می کند خوب گوش دهید در

مورد فواید درختان و اینکه جنگل کجاست؟ با مربی و دوستانت بحث و گفت و گو کنید.

می توانید کلیپ حسن کوچولو و کاشت درخت را هم ببینید، دیدید درختها چه قدر برای ما مفیدند، پس سعی کنید از آنها خوب نگه داری کنید و خدای مهربان را شکر کنید.

-بچه ها صدای چیه؟ بله صدای باده، همه با هم صدای باد را تقلید کنید، حالا خوب به صفحه ی

کتاب نگاه کن به نظر شما باد از چه جهتی می وزد؟ از کجا فهمیدید؟ به نظر شما چه فصلیه؟

از کجا متوجه شدید؟ با توجه به نمونه، برگه های شبیه هم را رنگ کن. برگه های شبیه هم را با

کشیدن خط به دورشان دسته بندی کن درخت کنار رودخانه ی پرآبی است موجهای رودخانه را نیز کامل کن.

کاربرگ 9، پروژه گیاهان

سلام بچه های عزیز. بازی داریم. بازی بازی نبازی. خوب گوش کن و انجام بده.

ابتدا از مربی خوبت بخواه یک بار دیگر ردیف و ستون را برایت توضیح بدهد. حالا مداد رنگی هایت را بردار و کارهایی را که می گویم انجام بده. اما قبلش خوب فکر کن و دقت کن.

1. زود تصویر کیف را پیدا کن و خانه ی سمت چپ آن را نارنجی کن.

2. تصویر دست را پیدا کن و خانه ی بالای آن را قرمز کن.

3. فیل را پیدا کن و خانه ی پایین آن را آبی کن.

4. ماهی را پیدا کن و دو خانه ی بالای آن را سبز کن.

5. چتر را پیدا کن و دو خانه ی سمت راست آن را زرد کن.

6. کلاه را پیدا کن و دو خانه ی پایین آن را قرمز کن.

7. در ردیف دوم خانه ی پنجم، چه شکلی قرار دارد به آن رنگ سبز بزن.

8. در ستون چهارم، خانه ی سوم چه شکلی قرار گرفته؟ به آن رنگ بنفش بزن.

حالا به تصاویر پایین صفحه خوب نگاه کن، از جاییت بلند شو و سریع مثل من شو از بازی خوشتر اومد؟

کاربرگ 10، پروژه گیاهان

سلام بچه های عزیز و قرآنی. امروز دانا و دینا به همراه پدر، مادر، مادربزرگ و پدربزرگ در منزل در حال خواندن قرآن بودند. دانا و دینا پس از اینکه قرآن خواندن تمام شد به مادربزرگ و پدربزرگ گفتند: امروز خانم مربی در مورد میوه هایی که خدای مهربان برای ما آفریده صحبت کرد و گفت بعضی از این میوه های مفید و پرخالصیت نامشان در قرآن آمده است. آن ها از پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ خواستند تا آن ها را راهنمایی کنند و نامهای میوه های قرآنی را به آنها بگویند.

توهم می توانی به آنها کمک کنی، از بزرگ ترها بپرس و بگو.

حالا خوب به صفحه ی کتاب نگاه کن، روی میز میوه های زیادی چیده شده، از بین آن ها میوه های قرآنی

را شناسایی کن و با خط به سبد وصل کن. می توانی سبد را نیز رنگ کنی یا با خرده های کاغذ، کاموا و... کلاژ کنی.

کاربرگ 11، پروژه گیاهان

سلام بچه های خوب دوستدار طبیعت. می دونم که به درخت و درختکاری خیلی علاقه دارید. پس بهتره اول یک سرود زیبا در مورد درخت بشنوید. مطمئن هستم که شما هم مواظب درختها هستید و هم هر سال تلاش می کنید تا درختکاری با خانواده درختی را به یادگار بکارید. در این باره با دوستانت گفت و گو کن.

-حالا به تصویر کتاب خوب نگاه کن. چند درخت می بینید؟ درختی که دینا کاشته، چه احساسی دارد؟

-درخت دانا چه احساسی دارد؟ به نظر تو چرا؟ با دوستانت گفت و گو کن.

-به نظر تو چه کارهایی باید انجام دهیم که درختی را که کاشته ایم را خوشحال کنیم؟

-حالا به گلهای رز زیبایی که دانا و دینا در کنار درختها کاشته اند خوب نگاه کن. گل رزی که دورش گردی است را با بقیه ی گل ها مقایسه کن، چه تفاوتی دارد؟ تفاوت ها را پیدا کن و کنارش علامت بزن.

کاربرگ 12، پروژه گیاهان

سلام بچه های خوب و پر تلاش. موافقید چند بازی انجام دهیم. آماده اید؟

- اولین شکل از بالا را خوب نگاه کن.

ردیف اول: خوردنی ها را بشمار. اگر از تعداد افراد خانواده کمتر بود خودت بقیه ی آن را نقاشی کن. آفرین عالی بود.

ردیف دوم: دوتا درخت داریم پر از شاخه و برگ و میوه. میوه ی کدامشان بیشتر است؟ زیر آن سه گوش قرمز بکش. تنه ی کدامشان کلفت تر است؟ کنارش گردی سبز بکش.

-برگ های کدامشان پهن تر است کنارش چهارگوش قهوه ای بکش.

-شاخه های کدامشان بلندتر است دورش را خط بکش.

-الان نوبت بازی سومه خوب ببین / فکر کن و بگو.

کدام یک از موارد زیر با بقیه فرق دارد زیر آن خط بکشید.

می رویم سراغ بازی چهارم مدادت را بردار و خیلی سریع روی همه ی سیب ها را خط بزن. تو زودتر انجام دادی یا دوستت؟ و بازی آخر، سمت چپ یک گلدان گل زیبا دیده می شود، در سمت راست سه سایه وجود دارد، خوب ببین و بگو، کدام یک از سایه ها برای گلدان گل است؟ دور آن خط قرمز بکش.

پروژه جانوران، جلد سوم

نگاره پروژه جانوران

سلام. خوب به تصویر نگاره نگاه کن. چه می بینی. در مورد تصویر با دوستان صحبت کن.

اینجا کجاست؟ چه حیوان هایی را می بینی؟ یکی یکی به آن ها اشاره کن و نام ببر.

پوشش بدن هر یک از این حیوانات را بگو. آیا از نزدیک این حیوانات را در باغ وحش دیده ای؟ اگر بله هر چه را دیده ای به دوستان هم بگو. هر یک چه غذایی می خورند می توانی بررسی و بگویی.

آیا این حیوانات می توانند در کنار ما زندگی کنند؟ چرا؟ به آن ها چه می گویند؟

چند پرنده روی درخت می بینی؟ پرنده ای که روی درخت سمت راست نشسته نامش چیست؟

دو پرنده ای که روی درخت سمت چپ نشسته اند را نام ببر. کدام از این پرنده ها شبها بیداره و روزها می خوابه. زیر درخت سمت چپ چه حیوانی نشسته است؟ چه رنگی است؟

به جانوران روی زمین نگاه کن کدام از همه بلندتر است؟ کدام یک کوتاه تر است؟

حالا یک مسابقه داریم، خوب به تصویر نگاره نگاه کن تا 50 بشمارو کتاب را ببند. نام 5 جانوری را که دیدی سریع بگو. آفرین که خوب یادت بود.

حالا کتاب را ورق بزن. (مربی عزیز این صفحه را می توان در روز بعد کارکرد)

دوباره نگاره داریم خوب به تصویر نگاه کن. حالا چه می بینی؟ اینجا کجاست؟ در مورد تصویر با دوستان صحبت کن.

خوب در این مزرعه چه جانورانی می بینی؟ جانور خوش خوابی که کنار کلبه ی مزرعه خوابیده چه نام دارد؟ چه غذایی می خوره؟

چه جانوری داخل آب در حال شناست؟ با انگشت اشاره به دوستت نشان بده و نامش را بگو.

یک پرنده خوش صدا که هر روز صبح همه را از خواب بیدار می کند را در نگاره پیدا کن، خانواده اش را هم پیدا کن و به دوستت نشان بده. اسم خانواده اش را بگو.

در این تصویر یک جانوری می بینی که شاخ داره پیدایش کن. نامش چیست؟ پوشش روی بدنش چیست؟ به بچه اش چه می گویند؟

جانوری در نگاره در حال آب خوردن است. نامش چیست؟ از این حیوان چه استفاده ای می کنیم؟

از کدام جانور دیگر در این نگاره برای باربری استفاده می کنیم. نام ببر و نشانش بده.

حالا یک بازی داریم، نام هر جانور را که بردم، سریع در نگاره با انگشت اشاره به دوستت نشان

بده و صدایش را تقلید کن و اگر در نگاره نبود دست بزن و بگو. (نداریم آی نداریم)

آماده ای؟ شروع می کنیم.

گاو.....خروس.....زنبور.....اسب.....بوقلمون.....بز.....جوجه.....گوسفند.....کیوتر و.....

آفرین به این همه دقت حالا می توانی با دوستانت در مورد غذای این جانوران هم صحبت کنی.

بچه های عزیز وقتشه دستهایمان را بالا بیاوریم و از اینکه خدای مهربان به فکر ما بوده و این جانوران را آفریده تا به ما کمک کنند و فایده زیادی به ما برسانند تشکر کنیم. خدایا شکر ممنون از تمام مهربانیهایت.

کاربرگ 1، پروژه جانوران

سلام خوب به تصویر نگاه کن چه می بینی؟ در مورد تصویر با دوستانت صحبت کن.

می توانی به سرود زیبای این مزرعه هم گوش بدهی و با صدای این حیوانات هم بیشتر آشنا شوی.

-حیوانات گرسنه اند برایشان غذای مناسب بکش.

حالا به تصاویر پایین مزرعه خوب نگاه کن.

-کدام حیوانات زیر را در مزرعه هم دیدی؟ دورش خط قرمز بکش.

-کدام یک از حیوانات زیر وحشی هست و جایش در مزرعه نیست؟ سمت چپ آن گردی آبی بکش.

-کدام حیوان هم توی آب زندگی می کند و هم در خشکی؟ پشت سرش چهار گوش آبی بکش.

-کدام یک از پرند های زیر روی درخت مزرعه نشسته بودند؟ زیرش خط سبز بکش.

-کدام حیوان نیش سمی داره و خطرناکه؟ دورش خط قهوه ای بکش.

-کدام حیوان برای محصولات مزرعه ضرر دارد؟ بالای سرش خط سیاه بکش.

کاربرگ 2، پروژه جانوران

سلام خوب به تصویر نگاه کن. چه می بینی؟ در مورد فایده جانوران با دوستانت صحبت کن. حالا به سرود زیبای

عموپورنگ به نام عموزنجیرباف را خوب گوش بده. حالا بگو هر کدام از این جانوران چه غذای برای صبحانه ی ما تولید

می کنند تا بخوریم و قوی شویم؟ هر کدام را با خط به محصولی که برای ما تولید کرده اند وصل کن.

کاربرگ 3، پروژه جانوران

سلام بچه ها. امروز صبح روی حیاط خانه صدای قار قار کلاغی را شنیدم. صدای کلاغ من را به یاد یک قصه ی زیبا انداخت. موافقید اول قصه ی کلاغ دوست داشتنی را گوش بدهیم. خب پس با دقت گوش بده.

-از قصه خوشتان آمد؟ می توانید این قصه را با عروسک های انگشتی یا ... در کلاس نمایش دهید.

-حالا به صفحه ی کتاب خوب نگاه کن. کلاغ دوست داشتنی را کامل و رنگ کن.

-حیوانات می خواهند نامه ای برای کلاغ بنویسند و از مهربانی های او تشکر کنند، گنجشک ها ورق کاغذ را گرفته اند به آنها کمک کن تا نامه را بنویسند.

-در شکل چند دارکوب می بینی؟ صدای دارکوب ها را تقلید کن.

-حالا نوک آنها را کامل و رنگ آمیزی کن.

-کدام حیوان بالاتر از همه روی درخت نشسته؟ می توانی صدایش را تقلید کنی.

-اگر دوست داشته باشی می توانید به 4 گروه تقسیم شوید و با هم سرود پرندگان این صفحه را بخوانید.

(تق و تق و تق، جیک و جیک و جیک. چه و چه و چه، قار و قار و قار) چه طور بود خوشتان آمد؟

کاربرگ 4، پروژه جانوران

سلام. خوبید بچه ها؟ موافقید یک بازی جدید انجام دهیم. خب آماده اید؟

-اول اسم حیوان ها را بگو.

-مداد قرمزت را بردار حیوان هایی که صدای اولشان(س) است را به دینا وصل کن.

-مداد آبی را بردار و حیوان هایی که صدای آخرشان (ر) هست را به دینا وصل کن.

-مداد سبزت را بردار و حیوان هایی که صدای آخرشان (س) است را به دینا وصل کن.

حالا به قسمت پایین نگاه کن.

- کدام حیوان هاصدای آخر اسمشان صدای(ک) است؟ آن ها را با رنگ سبز به دانا وصل کن.

-کدام حیوان صدای آخر اسمش صدای(و) می دهد؟ آن را با رنگ نارنجی به دانا وصل کن.

آفرین به این همه دقت، حالا خودت و دوستانت را تشویق کن.

کاربرگ 5، پروژه جانوران

سلام بچه های دوستدار حیوانات. اینجا پارک پرندگان است. آیا با نام همه ی آن ها آشنا هستی.

-با دوستانت نام این پرنده های زیبا را بگو.

-حالا به تعداد هر پرنده که در تصویر می بینی ستون های بالای آن را رنگ کن.

-کدام پرنده بیشتر و کدام پرنده کمتر از بقیه بود؟

حالا به تصویر پایین نگاه کن. اول تصاویرش را کامل کن، به نظر شما چرا طوطی ناراحت است؟ داستان آن را به دوستانت بگو.

کاربرگ 6، پروژه جانوران

سلام بچه ها، خوبید؟ بچه ها با مجلات رشد کودک آشنا هستید؟ دانا و دینا هر ماه مجلات رشد کودک را

تهیه می کنند. در مجله ی این ماه چند معما، پازل، داستان و..... بود. دینا و دانا تصمیم گرفتند امروز با کمک شما معمای جنگل عجیب و غریب را انجام دهند.

تو هم می توانی به آنها برای حل این معما کمک کنی. پس به تصویر خوب نگاه کن و 8 چیز عجیب را در تصویر جنگل پیدا کن و دورش را خط بکش.

ولی یادت باشه، اول باید خوب مشاهده کنی و تصویر را با دقت ببینی.

کاربرگ 7، پروژه جانوران

سلام. خوب به تصویر نگاه کن. چه چیزهایی در تصویر می بینی؟ از هر حیوان چند تاست؟ هر کدام کجا قرار گرفته اند؟ با دوستانت صحبت کن. می توانی قصه ای برای این صفحه بسازی و برای دوستانت تعریف کنی.

حالا خوب ببین و کتاب را ببند و پاسخ بده.

-در شکل چند مورچه دیدی؟

-بالای سرفیل چه چیزی دیدی؟

-چند درخت در شکل دیدی؟

-سنجاب با کدام حیوان صحبت می کرد؟

-چند پرنده روی درخت نشسته بودند؟

خوب حالا کتاب را باز کن و ببین جواب ها را درست گفته ای؟ اگر این طوره خودت را تشویق کن.

حالا ببین و بگو.

-سمت چپ اردک چه حیوانی هست؟ نشان بده و نام ببر.

-سمت چپ سنجاب چه حیوانی هست؟ نشان بده و نام ببر.

-بالای سر مورچه چه حیوانی هست؟ نشان بده و نام ببر.

-حالا وسایلت را بردار و این صفحه را رنگ آمیزی کن.

- به تصاویر پایین صفحه نگاه کن به نظر تو با شکل های زیر چه شکل های دیگری، می توانی بکشی؟ انجام بده.

کاربرگ 8، پروژه جانوران

سلام بچه ها. امروز رفته ایم به مهدکودک جانوران. مهدکودک خیلی شلوغه، همه ی بچه ها در حال

بازی هستند. سعی کنید تصویرهایی را که پنهان شده است را پیدا کنید و دورش خط بکشید.

-امروز بع بعضی با کمک پدرش یک وسیله بازی درست کرده و به کلاس آورده تا با دوستانش بازی کند، این وسیله با

کاغذ درست شده و در آسمان ها پرواز می کند آن را پیدا کن و دورش خط زرد بکش. می دانی اسمش چیست؟

توهم می توانی با کمک خانواده ات یکی درست کنی.

کاربرگ 9، پروژه جانوران

سلام، اول خوب به تصویر کتاب نگاه کن و نام هر یک از حیوانات را بگو. سپس در هر ردیف دور تصویری که صدای

آخرش مشابه صدای آخر تصویر سمت راست است را خط بکشید.

حالا به پایین تصویر نگاه کن. در این دشت چند گاو، چند تا گوسفند، چند تا مرغ و خروس می بینید؟ بشمار و بگو.

کاربرگ 10، پروژه جانوران

سلام فرزندم.

- ابتدا به تصاویر این صفحه خوب نگاه کن. هر چه را می بینی برای دوستانت تعریف کن.

- نام جانورانی که در تصویر می بینی را به دوستانت بگو، اگر صدای خاصی دارند تقلید کن.

- حالا با دقت بیشتر، تصویر بالا و پایین را با هم مقایسه کن، 5 تفاوت آن هارا پیدا کن و کنار آن گردی سبز بکش.

-حالا یکی از تصاویر را به دلخواه رنگ آمیزی کن.

کاربرگ 11، پروژه جانوران

سلام فرزند دوستدار طبیعت. دانا و دینا امروز به کنار ساحل دریا رفته اند، خوب به تصویر نگاه کن. متأسفانه روی شن های ساحل زباله هایی ریخته بود به آن ها کمک کن و زباله ها را با خط به کیسه ی زباله که در دست آن هاست وصل کن.

-دوباره خوب نگاه کن. در ساحل چه چیزهای دیگری می بینی؟

-چند بچه لاک پشت می بینی؟ به تعداد آن ها از سنگهای کف دریا جدا کن.

-دریا پر از ماهی است و موج های کوچکی در کنار ساحل دیده می شود. مدادت را بردار و موجها را کامل کن.

-حالا به دریای پر از ماهی نگاه کن اول سمت چپ را ببین چه حیوانی می بینی؟ آن را کامل و رنگ کن.

-به سراغ ماهیها برو، این ماهی ها دو به دو شبیه هم هستند اما یکی از آنها با هم فرق دارد. آن ماهی را

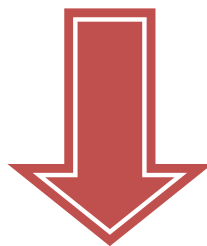
پیدا کن و دورش خط بکش. حالا ماهی ها را با رنگ آمیزی زیباتر کن.

کاربرگ 12، پروژه جانوران

بچه ها سلام. امروز دانا و دینا به منزل مادر بزرگ و پدر بزرگ آمده اند و از آنها خواسته اند تا قصه های مجله ی رشد کودک را مادر بزرگ و پدر بزرگ برای آنها 4 قصه گفتند.

-حالا خوب به تصاویر نگاه کن و به قصه ها گوش بده. (متن قصه در ادامه آمده)

- هر تصویر مربوط به کدام قصه است؟ از کجا فهمیدی؟ آیا می توانی به تصاویر این صفحه نگاه کنی و یک قصه ی جدید بسازی و برای دوستت تعریف کنی؟



بگ، دو، سه، مورچه‌ریزه!

مورچه‌ریزه از این طرف دیوار یو کشید. از آن طرف دیوار یو آینه آمد. دیوار خیلی شد بود از خودش پرسید: حالا چه طوری بالا بروم؟

مورچه‌ریزه ناراحت شد! نه!
مورچه‌ریزه بر گشت به خانه! نه!

بگ، دو، سه گفت و رفت بالا بالا بالا با پای دیوار رسید. نفس نفس می‌زد. سرش را چرخاند و پشت سرش را نگاه کرد. بگ دهنه شکر زرد زرد خورد و پایین افتاد.

مورچه‌ریزه ناراحت شد! نه!
مورچه‌ریزه بر گشت به خانه! نه!

بگ، دو، سه گفت و دوباره دیوار شد و از نگاه کرد. دیوار تا آسمان بالا رفته بود. مورچه‌ریزه ناراحت شد! نه!
مورچه‌ریزه به خانه برگشت! نه!

دانه را از آن طرف دیوار دید. تشنگی شکر خورد و رفت پایین تا به دانه رسید.
مورچه‌ریزه خوش حال شد! نه!
دانه بر گشت به خانه! نه!



حرف رمزی ممزی

مهربان که ما را آفریده، مگر شما نمی‌گویید؟
بچه زنبورها چیسری نگفتند. فقط برایش سال تکان دادند و دنبال کارشان رفتند. آسمان دشت پر شد از زمزمه ی حرف ممزی.

بچه زنبورها با هم بیچ می کردند: دیدید عسل ویزویزی باز هم خوش رنگ شد؟ از همه خوشبو تر شد؟ حتماً کارش را زای دارد؟
این یکی گفت: شاید یک جای مخصوص می‌رود...
آن یکی گفت: شاید یک کار مخصوص می‌کنند...
روز بعد، بچه زنبورها یواشکی پر کشیدند دنبال ویزویزی. کمی بعد به کندو برگشتند. دوباره با هم بیچ کردند: دیدید؟ نه جای مخصوصی رفت، نه کار مخصوصی کرد، این یکی گفت: بولی من دیدم او روی هر گل که می‌نشست، چیزی می‌گفت، آن یکی گفت: آهان! پس حتماً یک حرف رمزی ممزی بلد است.

بچه زنبورها رفتند پیش ویزویزی. این یکی گفت: حرف رمزی ممزیات را به ما یاد می‌دهی؟ آن یکی گفت: همان که قبل از مکیدن شهد گل‌ها می‌گویی، ویزویزی گفت: من وقتی روی گل می‌نشینم، می‌گویم به نام آن مهربان که ما را آفریده، مگر شما نمی‌گویید؟
بچه زنبورها چیسری نگفتند. فقط برایش سال تکان دادند و دنبال کارشان رفتند. آسمان دشت پر شد از زمزمه ی حرف ممزی.



فقط یک ذره

خانم معلم از کرگدن‌های کوچولو پرسید: اگر گفتید این رنگ چی داریم؟ همه با شادی گفتند: گل‌باری!

کوکو فریاد کشید: آخ من یادم رفته گل بیابورم.
یکی از بچه‌ها گفت: من نصف گنم را به کوکو می‌دهم.
خانم کرگدن گفت: می‌خواهیم گانسه درست کنیم. آن وقت تو فقط می‌تویی گانسه ی مورچه‌ای درست کنی.

بچه‌ها خندیدند ولی چشم‌های کوکو پر از اشک شد. خانم کرگدن آه کشید و به طرف رودخانه رفت. پشت سرش پر از بیچ بیچ شد.
یک دفعه کوکو صدا کرد: خانم معلم برگردید! نگاه کنید چقدر گل دارم.
خانم کرگدن برگشت. با تعجب پرسید: این‌ها را کی به تو داده؟
بچه‌ها فریاد زدند: من! من! من! ...

کوکو با شادی گفت: همه بگدازه از گل‌هایشان را به من دادند. دیدید چقدر زیاد شد؟ خانم کرگدن خوشحال شد و نوبی دلش گفت: بوی خدا جان! چقدر مهربانی تویی دل بچه‌ها گذاشته‌ای!



پیراهن خاله کفشدوزک

خاله کفشدوزک روی گل شقایق خوابیده بود. چند تا گل آن وزش. خاله عنکبوت روی گل سیرخ زار می‌رفت. یک‌سره به باد تندی آمد. خاله‌های پیراهن کفشدوزک را آورد. خاله عنکبوت فوری تارش را جلوی باد گرفت. خاله‌ها چسبیدند به تار. خاله عنکبوت بولشکی خاله‌ها را آورد و چسباند روی پیراهن خاله کفشدوزک.
کسی بعد خاله کفشدوزک از خواب پرید. تند و تند بیه پیراهنش نگاه کرد. خاله‌های پیراهن سر جانشان بودند. خیالش راحت شد. به خاله عنکبوت نگاه کرد و گفت: خواهر! می‌دانی چه خوابی دیدی؟
- نه خواهر. چه خوابی دیدی؟
- خواب دیدم باد خاله‌های فشنگ پیراهنم را با خودش برد. خیلی ترسیم این را گفت و غش غش خندید. خاله عنکبوت هم خندید.

